

در این درس، علاوه بر آموزش بخشی از قواعد زبان عربی، کارکردهای آموزشی و فرهنگی دیگری نیز منظور شده است که اجمالاً از این قرار می‌باشند :

□ این درس از حیث موضوع متن، واژگان به کار رفته در متن درس و تمرین‌ها، استفاده از عبارات قرآنی و ... دارای پشتوانه‌های قرآنی است.

□ موضوع متن درس براساس یکی از مشهورترین داستان‌های قرآنی نگاشته شده و اهداف اخلاقی و تربیتی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

□ واژه‌های به کار رفته در درس و تمرین‌ها، عمدتاً برگرفته از واژگان قرآنی یا مشتقات آن‌هاست. مانند : کبیر، کثیرة، الفواکه، الاعناب، کریم، فقراء، ارحموا، الضُّعفاء، حقّ و ...

□ برخی از عبارات قرآنی و روایی عیناً در متن داستان و یا در تمرین‌ها وارد شده‌اند. همچنین برخی از عبارات که از مشابهت ساختاری با عبارات قرآنی و روایی برخوردارند، در این درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مانند :

واژه‌ها و ساختارهای قرآنی و روایی متن

الرِّمَانِ، الْأَعْنَابِ، اِرْحَمُوا الضُّعْفَاءِ، اِعْمَلُوا لِلَّهِ، اِنَّ الثَّرْوَةَ فَانِيَةٌ، هَذَا حَقًّا، اُسْكُرُوا لِلَّهِ، حَقًّا لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ، اِصْبِرُوا، فَعَلِمَ اللّٰهُ سَوْءَ نِيَّتِهِمْ، اَخَذَتْهُمْ الْحَيْرَةَ، اِصْبِرُوا، اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ، اِزْكِعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ، اُسْكُرُوا لِلّٰهِ، اِذْهَبَا اِلَى فِرْعَوْنَ وَ ...

□ از میان صیغه‌های فعل امر (موضوع این درس) صیغه‌ی امر جمع مذکر از جمله‌ی رایج‌ترین فعل‌های به کار رفته در قرآن می‌باشد. در این درس، برای ارائه‌ی نمونه‌هایی از صیغه‌های یاد شده، و نیز سایر صیغه‌های موردنظر، از پر استعمال‌ترین ریشه‌های افعال به کار رفته در آیات قرآن استفاده شده است. مانند : عَمِلَ، رَحِمَ، جَعَلَ، شَكَرَ، خَرَجَ، صَبَرَ

پیش‌نیاز آموزشی

یادگیری قواعد مطرح شده در این درس، مستلزم آشنایی قبلی و یادآوری این پیش‌نیازهاست:

۱- صیغه‌ی مضارع مخاطب مثنی

۲- صیغه‌ی مضارع جمع مذکر

۳- صیغه‌ی مضارع جمع مؤنث

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن درس

معلم می‌تواند داستان درس را - که برگرفته از یکی از قصص قرآنی است - به طور مشروح برای دانش‌آموزان بیان کند. بدیهی است که محدودیت‌های کتاب درسی اجازه نمی‌دهد که این داستان به گونه‌ای مبسوط به عنوان متن درس درج شود؛ اما در این متن تا حد ممکن از عناصر داستانی استفاده شده و ساختار داستانی آن نیز حفظ شده است. بنابراین، بیان شیرین این داستان می‌تواند نه تنها به مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری کمک می‌کند، بلکه دانش‌آموزان به راحتی می‌توانند جایگاه هر یک از جملات و عبارات متن درس را در دل داستان اصلی آن پیدا کنند و همچنین ناگفته‌های داستان را از طریق تصاویر کتاب و شیوه‌ی موسوم به «فتورمان» - که مورد استفاده قرار گرفته است - در یابند. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، این توضیحات با استفاده از تصویر و ... می‌تواند به زبان عربی گفته شود.

باغ سوخته

باغی بود؛ پراز درختان میوه: سیب، انار، انگور.
صاحب باغ، مرد مهربانی بود. همیشه وقتی فصل میوه‌چینی می‌شد، گروهی از فقیران و مستمندان شهر به باغ می‌آمدند و هر چه می‌خواستند، میوه می‌خوردند.
مرد صاحب باغ، با روی باز و بالبی خندان فقیران را به باغ دعوت می‌کرد.
خصوصاً وقتی بچه‌ها می‌آمدند، لبخند می‌زد و می‌گفت: «بخورید بچه‌ها، آقا پسرها، این‌جا میوه‌های رسیده‌ای هست. جمع کنید و برای خانواده‌تان ببرید. دختر خانم‌ها،

شما هم بیایید. هر چه دلتان می‌خواهد برای خانه‌تان ببرید.»
سال‌ها گذشت و باغ پر از طراوت و میوه بود. صاحب باغ پیر شده بود؛ اما هنوز مثل غنچه‌ها و شکوفه‌های باغ، پرطراوت بود. پیرمرد، کم‌کم بیمار شد و در بستر بیماری افتاد. یک روز، سه پسرش را دور خودش جمع کرد و گفت:

«عزیزانم، پسرانم، مرگ من نزدیک است. من هر چه توانستم، به فقیران و درماندگان کمک کردم. شما هم به آن‌ها رحم کنید و با آن‌ها مهربان باشید. برای خدا کار کنید و در باغ را همیشه به روی درماندگان باز نگه دارید. دارایی و ثروت ماندنی نیست. آنچه می‌ماند، محبت و مهربانی شماست.»

چند روز بعد، پیرمرد از دنیا رفت و باغ به دست پسرانش افتاد. آن‌ها دور هم جمع شدند تا برای باغ و میوه‌هایش تصمیم بگیرند. یکی از پسرها گفت: «من روش پدر را قبول ندارم. این باغ مال ماست...» هنوز حرفش تمام نشده بود که یکی دیگر از برادرها گفت: «بله... این حق خود ماست و هیچ‌کس دیگر حق ندارد میوه‌های این باغ را بدون پول بردارد و بخورد و با خود ببرد.» برادر سوم که از این رفتار آن‌ها تعجب کرده بود، گفت: «اما برادرهای عزیزم، ما مجبوریم که به وصیت پدرمان گوش بدهیم و به آن عمل کنیم.» اما آن دو نفر، گوششان به این حرف‌ها نبود. او دوباره ادامه داد: «به وصیت پدرمان عمل کنید و به خاطر نعمتی که خدا به شما داده، خدا را شکر کنید و بخشی از اموالتان را به نیازمندان و محرومان بدهید.» هرچه او بیشتر می‌گفت، برادرانش کمتر می‌شنیدند. همان روز، در نزدیکی باغ، زن فقیری زندگی می‌کرد. بچه‌هایش گرسنه بودند و چیزی برای خوردن نداشتند. هر چه مادر می‌گفت «صبر کنید»، باز هم بچه‌ها نِق می‌زدند. بالاخره تصمیم گرفتند که مثل گذشته سری به باغ بزنند و قدری میوه بخورند.

آن‌ها با شکم‌های گرسنه وارد باغ شدند. هنوز چیزی نخورده بودند که دیدند دو مرد با چهره‌ای عصبانی به طرفشان می‌آیند. آن‌ها ناگهان داد و فریاد راه انداختند که: «این‌جا چه کار می‌کنید، بروید بیرون، بروید، چرا به باغ ما آمده‌اید، مگر اینجا صاحب ندارد...».

بچه‌ها با شکم گرسنه و چشم پر از اشک به خانه آمدند. غیر از آن‌ها کسان دیگری هم در باغ بودند که اخراج شده بودند.

خداوند، ناظر اعمال این دو مرد بود. حالا که شکر نعمت را به جا نمی‌آوردند،

باید تنبیه می‌شدند. صبح روز بعد، دو برادر به باغ آمدند تا میوه جمع کنند و آن‌ها را بفروشند. اما آنچه را که می‌دیدند، برایشان باورکردنی نبود. در حالی که با حیرت و تعجب به درخت‌های خشکیده و سوخته‌ی باغ نگاه می‌کردند، ناباورانه می‌گفتند: «مگر می‌شود؟! یک شبه، تمام باغ خشکید ... نه، نه ممکن نیست! شاید خواب می‌بینیم...». آن شب، همه‌ی درختان باغ خشک شدند و سوختند.

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

متن درس فقط به این منظور توضیح داده می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند موقعیت مفهومی هر جمله را در ارتباط با اصل داستان تشخیص دهند. از این‌رو، عباراتی که فاقد کلمه‌ی جدید هستند، توسط دانش‌آموزان قرائت و ترجمه‌ی مفهومی می‌شوند و عباراتی که دارای کلمه‌ی جدید می‌باشند، با کمک معلم ترجمه می‌شوند. بدین ترتیب، دانش‌آموزان داستان «باغ سوخته» را از روی متن می‌خوانند و طبعاً در این مرحله می‌توانند از شیوه‌ی تصویرخوانی برای دریافت مفهوم کامل‌تر جملات و عبارات استفاده کنند.

۳- توجه به واژگان هدف درس

در این درس، چند صیغه‌ی فعل به عنوان واژه‌های هدف ارائه شده است و دانش‌آموزان باید به آن‌ها توجه ویژه داشته باشند. این واژه‌ها عبارتند از:

– اِجْمَعُوا، اِحْمِلُوا، اِرْحَمُوا، اِعْمَلُوا، افْتَحُوا، اِصْبِرُوا، اخْرُجُوا، اُتْرُكُوا،

– اِجْمَعَنَّ، اِحْمِلَنَّ، اخْرُجَنَّ، اِذْهَبَنَّ، اُتْرُكَنَّ

– اِعْمَلَا، اُشْكُرَا، اِجْعَلَا،

برای جلب توجه دانش‌آموزان به شکل ظاهری این سه گروه کلمه و مفهوم اجمالی آن‌ها، اقداماتی به این شرح صورت می‌گیرد:

□ سؤال درباره‌ی ریشه‌ی هر یک از افعالی که مورد بحث یا اشاره قرار می‌گیرند.

□ تعیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های هر گروه از کلمات.

برای مثال: در تصویر دوم متن درس، چهار نوع کلمه درج شده است که دانش‌آموزان باید این مشابهت‌ها و تفاوت‌ها را دریابند:

- ریشه‌ی مشترک در «اجمعوا» و «اجمعن».
 - ریشه‌ی مشترک در «احملوا» و «احملن»
 - حرف همزه در ابتدای هر چهار کلمه
 - حرف یا نشانه‌ی «وا» در دو کلمه و «ن» در دو کلمه‌ی دیگر.
- پرسش درباره‌ی علت استفاده از نشانه‌های متفاوت در پایان برخی از کلمات. برای مثال:
- چرا یک بار «اجمعوا» گفته شده و چرا بار دیگر «اجمعن»؟
 - چرا پیرمرد خطاب به پسرانش از علامت «وا» در پایان فعل‌ها استفاده کرده؟ (ارحموا، افتحوا، اعملوا)
- نتیجه‌ی اجمالی از این اقدامات این است که دانش‌آموزان دریابند:
- هر جا به جمع پسران امر شده، از علامت «وا» در پایان فعل استفاده شده است. (مانند سفارش پیرمرد به سه پسرش)
 - هر جا به جمع دختران امر شده، از علامت «ن» در پایان فعل استفاده شده است. (مانند امر پسران پیرمرد به دختران برای ترک باغ)
 - هر جا به دو نفر امر شده، از علامت «ا» در پایان فعل استفاده شده است (مانند سفارش برادر سوم به دو برادرش)

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

با توجه به مراحل پیش، آمادگی دانش‌آموزان برای درست خوانی متن درس و درک ترجمه‌ی دقیق آن فراهم است. بنابراین، معلم متن درس را جمله به جمله قرائت می‌کند و دانش‌آموزان نیز هر جمله را تکرار می‌کنند.

تذکر ۱: ترجمه‌ی جملات توسط دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. زیرا دانش‌آموزان علاوه بر این که بخش عمده‌ی کلمات به کار رفته در درس را قبلاً آموخته‌اند، همچنین در مراحل قبل با داستان درس آشنا شده‌اند و لذا می‌توانند در ارائه‌ی ترجمه‌ی درست، مشارکت فعال داشته باشند.

تذکر ۲: همچنان که متن درس حاوی داستانی زیبا و جذاب است، قرائت جملات آن نیز باید با فراز و نشیب‌های گفتاری توأم باشد تا هم روح هر عبارت از طریق نحوه‌ی قرائت آن منتقل شود، و هم از این طریق بر جذابیت درس افزوده شود و در عین حال، درست خوانی جملات عربی در دانش‌آموزان تقویت گردد.

متن خوانی

هر یک از عبارات داستان «الباستان المحروقه» به تناسب مفهوم و موقعیت کلامی و ساختار ادبی خود، دارای روح و حسّ جداگانه‌ای هستند که می‌بایست در حین قرائت مورد توجه قرار گیرد. پرواضح است همچنان که در شیوه‌ی گفتاری روزمره‌ی خود، هر یک از جملات را با لحن یا هیجان مخصوص خود ادا می‌کنیم، باید جملات این درس را نیز همان‌گونه ادا کنیم و جداً از قرائت سرد و یکنواخت آن‌ها پرهیزیم: برای مثال:

- خبری: هذا البستانُ كبيرٌ...
- مهربانانه: أعزّائي، اجمعوا الفواكه...
- هشدار: ارحموا الضّعفاء...
- موذیانانه و خودخواهانه: هذا البستانُ لنا...
- مشفقانه: العملُ بوصيةِ الوالدِ واجبٌ.
- دردمندانه: نحنُ ما أكلنا شيئاً...
- خشن و آمرانه: أخرجوا... أتركوا أرضنا...
- حیرت و حسرت: كيف مُمكن؟ لا... لا...

در عبارات یادشده، هشت گروه از جملات از جهت لحن گفتار مورد اشاره قرار گرفته است که معلم باید این نوع جملات را شناسایی کند و از دانش‌آموزان نیز کمک بگیرد تا هر جمله، متناسب با مفهوم و موقعیت خاص خود ادا شود.

۵- تمرین صیغه‌سازی

با استفاده از انواع ریشه‌های افعال - که برای دانش‌آموزان آشناست - ، با مشارکت دانش‌آموزان، سه صیغه‌ی امر به کار رفته در این درس تمرین می‌شود.

بدین منظور، یکایک دانش‌آموزان، با استفاده از یک ریشه‌ی پیشنهادی از سوی معلم، صیغه‌ی مورد درخواست او را می‌سازند و بیان می‌کنند. مثلاً:

معلم ریشه‌ی «جَلَسَ» و صیغه‌ی مضارع «تَجَلَّسُ» را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد و هر دو را با صدای بلند می‌خواند و سپس از دانش‌آموز اول می‌خواهد:

«همان‌طور که پیرمرد به پسرانش گفت ارحموا، تو نیز چند نفر را مورد خطاب قرار بده و صیغه‌ی امر بساز!»

○ **تذکره ۱:** دانش‌آموز ممکن است صیغه‌ی مورد نظر را با فتح عین الفعل بخواند (اجلسوا). اما تأکید کلامی معلم روی کسره‌ی «لام» در تجلیس و اصلاح اجلسوا، دانش‌آموزان را متوجه لزوم رعایت صحیح حرکات می‌کند.

○ **تذکره ۲:** در این مرحله، فقط آموختن و به کار بستن آهنگ صیغه‌های امر مورد نظر است و بیشترین تأکید روی نشانه‌های آخر صیغه‌های امر قرار دارد. بدیهی است که جزئیات ساختن صیغه‌های امر، در مرحله‌ی بعد آموزش داده می‌شود.

به همین ترتیب از دانش‌آموز دوم می‌خواهد:

«خطاب به دو نفر ...»

و از دانش‌آموز سوم:

«خطاب به جمع مؤنث ...»

۶- تمرین درک مفهوم درس

برای کسب اطمینان از درک مفهوم درس و جملات به کار رفته در آن، سؤالاتی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود تا ضمن مرور داستان و بازیابی فعل‌های هدف در متن، تنوعی در شیوه‌ی آموزش کلاس پیش آید و دانش‌آموزان برای مرحله‌ی بعد (آموزش کلید طلایی) آماده شوند:

– دومین پسر چه گفت؟ (ماذا قال الابن الثاني؟)

– صاحب باغ، چه جور آدمی بود؟ (كيف كان صاحب البستان؟)

– میوه‌های باغ را نام ببر! (أذكر أنواع الفواكه في البستان!)

– پسر اول چه گفت؟ (ماذا قال الابن الأوّل؟)

– خداوند، چه چیز را فهمید؟ (ماذا علم الله؟)

– بعد از نزول عذاب، دو برادر چه گفتند؟ (ماذا قال الأخوان بعد نزول العذاب؟)

– مادر در جواب بچه‌های گرسنه‌اش چه گفت؟ (ماذا قالت الأم في جواب أولادها الجائعين؟)

○ این قبیل سؤالات به سرعت از سوی معلم به عربی مطرح می‌شود و دانش‌آموزان با استفاده از کتاب، فوری پاسخ می‌گویند.
○ معلم می‌تواند این سؤالات را به صورت مسابقه‌ی سرعت بین دو یا چند دانش‌آموز مطرح کند.

۷- آموزش کلید طلایی

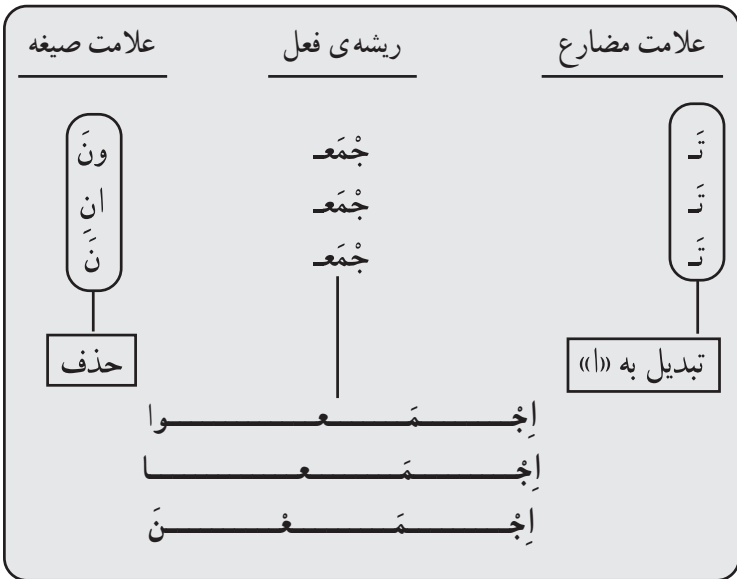
بهتر است برنامه‌ی کلاس طوری تنظیم شود که دانش‌آموزان قبلاً متن کلید طلایی برای فعل امر (۲) را خوانده باشند. در غیر این صورت، فرصتی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا این متن را مرور کنند. سپس معلم این سؤالات را به صورت فردی یا گروهی از دانش‌آموزان می‌پرسد و آن‌ها می‌توانند با استفاده از کتاب، پاسخ لازم را ارائه دهند:

- ۱- گروه اول، چه صیغه‌هایی را معرفی کردند؟
- ۲- این صیغه‌ها در چه جایی به کار رفته بود؟
- ۳- گروه دوم، چه صیغه‌هایی را معرفی کردند؟
- ۴- این صیغه‌ها در چه مواردی به کار رفته بود؟
- ۵- گروه سوم، چه صیغه‌هایی را معرفی کردند؟
- ۶- این صیغه‌ها در چه مواردی به کار رفته بود؟
- ۷- در کدام صیغه حرف «ن» از آخر فعل مضارع حذف می‌شود و به جای آن «ا» قرار می‌گیرد؟

۸- در فعل امر، به جای حرف مضارع، چه حرفی قرار می‌گیرد؟

۹- کدام صیغه‌ی امر است که در آن «ن» فعل مضارع حذف نمی‌شود؟

با استفاده از آن‌چه که در درس گذشته در زمینه‌ی «کلید طلایی» مطرح شد و نیز طرح این سؤالات – که ممکن است برخی از پاسخ‌های آن‌ها درست نباشد –، این شکل روی تخته رسم می‌شود و توضیحات قبلی معلّم درباره‌ی نحوه‌ی ساختن سه صیغه‌ی امر مثنی و جمع مذکر و مؤنث روی این شکل پیاده می‌شود:



تمارين

تمرین‌های این درس، ابعاد گوناگونی از اهداف درس را پوشش می‌دهند و هرکدام، با شیوه‌ای متفاوت، دانش‌آموزان را در زمینه‌ی یادگیری درس یاری می‌دهند.

التمرین الأول



هدف از این تمرین، درک مفهوم و محتوای متن درس است و در عین حال، دانش‌آموزان را با دو نمونه از جملات استفهامی، با استفاده از کلمات استفهامی «کیف» و «ماذا» آشنا می‌کند. کسب اطمینان درباره‌ی یادگیری دانش‌آموزان، محدود به این سؤالات نیست. معلم می‌تواند سؤالات دیگری از این نمونه را مطرح کند. مثلاً:

– كيف كان البستان؟

– كيف كان صاحب البستان؟

– ماذا قال صاحب البستان للأولاد؟

– ماذا قال صاحب البستان للبنات؟

– ماذا قال الابن الاوّل بعد وفاة الوالد؟

– مَنْ قال : «لا حَقَّ للآخرين»؟

– مَنْ مَرِضَ؟

– ماذا عَلِمَ اللّهُ؟

التمرین الثاني



هدف این تمرین، در درجه‌ی اوّل، تشخیص صیغه‌های امر از سایر صیغه‌های افعال است و در درجه‌ی دوم، تشخیص مفهوم و ویژگی‌های صیغه‌های امر می‌باشد. با توجه به این که هر سه صیغه‌ی امر مورد نظر در این درس، در جملات این تمرین مطرح شده

است، معلم می‌تواند جملات دیگری از همین قبیل را متناسب با ریشه‌های افعال از پیش آموخته شده، برای دانش‌آموزان مطرح کند تا آنان نسبت به تشخیص جملات درست اقدام کنند. مثلاً:

– خطاب به دو نفر، این فعل‌ها را به کار می‌برد: اکتباً درسکماً – اجلسوا علی الأرضِ.

– خطاب به سه نفر، این فعل‌ها را به کار می‌برد: اشربن الماء – اشربوا الماء.

التمرین الثالث

هدف این تمرین، ساختن صیغه‌های امر با توجه به عین‌الفعل مضارع است. نظر به اهمیت حرکت عین‌الفعل مضارع و تأثیر آن در حرکت همزه، لازم است علاوه بر تمرین‌های کتاب، تمرین دیگری به صورت شفاهی یا کتبی، در قالب مسابقه‌ی گروهی یا فردی ارائه شود. بدین منظور، چند فعل مضارع مخاطب روی تخته نوشته می‌شود و خطاب به دانش‌آموزان، صیغه‌ی امر مورد نظر درخواست می‌گردد تا آنان نسبت به بیان آن صیغه اقدام کنند. مثلاً:

نوشته می‌شود: یغسلُ. خواسته می‌شود: امر مثنی

نوشته می‌شود: یکتبُ. خواسته می‌شود: جمع مذکر

نوشته می‌شود: یصبرُ. خواسته می‌شود: جمع مؤنث

التمرین الرابع

هدف این تمرین، ساختن صیغه‌ی امر براساس نوع مخاطب است. همچنین تشخیص کلمه‌ی فعل در کنار سایر انواع کلمات. هم‌چنین تشخیص علت غلط بودن فعل به کار رفته در جمله، از اهداف جانبی این تمرین به‌شمار می‌آید.

التمرین الخامس

هدف این تمرین تقویت توانایی دانش‌آموزان برای ترجمه‌ی فارسی به عربی است. اگر در تمرین‌های قبل، تشخیص فعل امر به عنوان یک کلمه مورد نظر بوده است، در این‌جا تشخیص ساختار صحیح جمله مورد نظر قرار دارد.

با توجه به این که در این تمرین از کلماتی استفاده شده که قبلاً برای دانش‌آموزان آشنا بوده است، معلم می‌تواند چنین جملاتی را طراحی کند و جهت ترجمه به عربی، در اختیار شاگردان قرار دهد.

التمرین السادس

هدف این تمرین تقویت توانایی دانش‌آموزان برای ترجمه‌ی عربی به فارسی است. هم‌چنین آشنایی با افعال امر به کار رفته در آیات قرآن، هدف دیگر این تمرین به شمار می‌آید.

این آیات، نمونه‌ای از آیات فراوانی هستند که دارای یکی از صیغه‌های امر می‌باشند. در آیات قرآن کریم تعداد بسیار زیادی از آیات وجود دارد که در آن‌ها فعل امر - خصوصاً صیغه‌ی جمع مذکر - استعمال شده است. مثلاً:

آمنوا - اذکروا - انکحوا و ...

این گونه آیات قابل شناسایی هستند و بسیاری از آن‌ها دارای ساختار روان و ساده می‌باشند به طوری که دانش‌آموزان می‌توانند با مراجعه به قرآن کریم ترجمه‌ی آن‌ها را دریابند.

ترجمه‌ی تصویری

ذوق و خلاقیت و جستجوگری دانش‌آموزان اقتضا می‌کند که برای هریک از جملات مطرح شده در این تمرین، دهها تصویر از میان تصاویر ورزشی، سیاسی، اجتماعی، کاریکاتور و ... انتخاب کنند و جمله‌ی مورد نظر را به‌عنوان شرح عربی آن تصویر، در کنارش بنویسند.

حاصل این فعالیت ذوقی و خلاقانه، نمایشگاه جذابی خواهد بود که می‌تواند لحظاتی دانش‌آموزان را به خود مشغول کند و به این وسیله، چند جمله از میان جملات درس را نصب‌العین آن‌ها نماید. معلم می‌تواند با تشخیص و انتخاب خود، در هریک از دروس این کتاب، دست به چنین اقدامی بزند؛ طوری که دانش‌آموزان در پایان هر درس، نمونه‌های متعددی از ترجمه‌های تصویری در اختیار داشته باشند.

دانش‌آموزان می‌توانند این مجموعه‌ی ترجمه‌ی تصویری را در دفترهای مخصوصی جمع‌آوری کنند. همچنین می‌توان این تصاویر را روی قطعات مقوایی، به‌صورت نمایشگاه در معرض تماشای سایر شاگردان مدرسه قرار داد.

اینک به نمونه‌هایی از تصاویر پیشنهادی که می‌توان برای جملات ذیل در نظر گرفت، توجه کنیم:

○ ارحموا الضعفاء:

- تصویر فقیری که برای گرفتن پول، دست دراز کرده است.

- تصویر یکی از شخصیت‌های جهانی که دستش را مثل گدایان دراز کرده!

– تصویر یکی از چهره‌های ورزشی، در حالی که گویی التماس می‌کند!
○ الثَّرْوَةُ فَانِيَةٌ:

– تصویر یک مرد فربه و پولدار که گویی این جمله را به تمسخر می‌گوید!
– تصویر یک آدم ضعیف و فقیر که گویی این جمله را از سر ناچاری بیان می‌کند.
– تصویر تلی از پول و اسکناس، در حالی که یکی از ورقه‌های اسکناس این جمله را بیان می‌کند.
○ هَذَا حَقُّنَا:

– تصویر یک توپ توی دروازه، و شادی یک فوتبالیست.
– تصویر یک چهره‌ی استعمارگر درحالی که کره‌ی جغرافیایی را در دست دارد.
– تصویر یک پسر بچه، درحالی که بستنی می‌خورد و چیزی می‌گوید.
○ اَتْرَكُوا ... اَتْرَكُوا اَرْضِنَا:

– تصویر یک فلسطینی در حال پرخاش به سرباز اسرائیلی.
– تصویر یک رزمنده‌ی ایرانی در حال شلیک به طرف دشمن.
– تصویر حمله‌ی یک پلنگ به گله‌ی حیوانات.

الدراسات القرآنية



غرض از این فعالیت، یافتن نمونه‌هایی از آیات قرآن است که در آن‌ها یکی از کلمات به کار رفته در متن درس استعمال شده است.

همچنان که پیش از این ذکر شد – براساس سیاست حاکم بر تدوین کتاب – بسیاری از کلمات متن درس، یا عیناً در آیات قرآن به کار رفته‌اند و یا دارای مشتقات فراوان در آیات قرآن هستند. معلم می‌تواند با ارجاع دانش‌آموزان به قرآن کریم، آن‌ها را به یافتن این نوع کلمات در آیات قرآن ترغیب کند. از جمله‌ی کلمات مورد نظر می‌توان اشاره داشت به:

كثيرة – احمَلوا – اجمعوا – و نیز:

الْأَيَّامَ – قَالَ – طَلَبَ – اَعْمَلُوا – حَقٌّ – النِّعْمَةُ – شَيْئاً – اَصْبِرُوا – عِلْمٌ و ...

در بخش دوم «الدراسات القرآنية» آیاتی درج شده است که هر کدام دارای نمونه‌ای از افعال امر هستند. همچنان که پیش از این ذکر شد، این نوع کلمات به‌طور فراوان در قرآن کریم به کار رفته‌اند و جهت تحقیق دانش‌آموزان با استفاده از «المعجم»، قابل شناسایی و استفاده می‌باشند.

- این درس علاوه بر تأکید روی آموزش نهی، از کارکردهای دیگری نیز برخوردار است :
- ۱- ارائه‌ی داستانی جذاب و پرکشش به‌عنوان متن درس، جهت ترغیب بیش‌تر دانش‌آموزان.
 - ۲- استفاده از شیوه‌ی «فتورمان» در طراحی و تدوین داستان، به‌منظور جذابیت بیش‌تر داستان و نیز استفاده از فضاهای تصویری، به‌جای بیان مستقیم بخشی از داستان.
 - ۳- ایجاد فضای اخلاقی و معنوی براساس آیات قرآن کریم در قالب داستان.
 - ۴- استفاده از کلمات قرآنی یا عبارات قرآنی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم؛ در قالب ساختارهای قرآنی و روایی.
 - ۵- تأکید روی صیغه‌های نهی، به‌عنوان یکی از پرکاربردترین موارد به‌کار برده شده در آیات قرآن و روایات.

نمونه‌هایی از ساختارهای قرآنی و روایی در متن درس

لا تَيْأَسُ - لا تَحْزَنُ - إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا - الرَّزْقُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - تو كُنَّا عَلَى اللَّهِ -
 لا تَيْأَسِي - لا تَحْزَنِي - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - عَصَفَتِ الرِّيحُ بَشْدَةً - الْهَي
 ماذا أَفْعَلُ - يَا اللَّهُ، لا مَعْبُودَ سِوَاكَ - إِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفَ - لا تَيْأَسُوا
 فِي الْحَيَاةِ - لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ - لا تَغْفُلْنَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ - إِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ أُنِيسٌ
 أَوْقَاتِ الْوَحْشَةِ - إِنَّ الْيَأْسَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

پیش‌نیاز آموزشی

یادگیری نهی، مستلزم آشنایی و یادآوری آموخته‌های قبلی در زمینه‌ی فعل مضارع مخاطب است.

بنابراین، لازم است پیش از تدریس صیغه‌های نهی، نسبت به اشراف شاگردان بر صیغه‌های مخاطب کسب اطمینان شود.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن درس

داستان «لا تیأس»، ضمن این که صیغه‌های متعدد نهی را به انحاء گوناگون و به‌طور مکرر در خود جای داده است، به‌تنهایی داستانی جذاب و دلنشین به‌شمار می‌آید. محدودیت‌های کتاب درسی شرایط لازم را برای شرح و گسترش این داستان در قالب ادبیات داستانی فراهم نمی‌آورد. ولی معلم می‌تواند این داستان را پیش از شروع تدریس به‌طور مشروح و با بیانی مناسب به زبان عربی برای یک داستان مهیج، برای شاگردان تعریف کند تا آنان در مراحل بعد، ضمن احساس مثبت نسبت به این داستان، جایگاه مفهومی هریک از جملات متن درس را تشخیص دهند و ناگفته‌های آن را از خلال شیوه‌ی «تصویرخوانی» دریابند. این نکته را در نظر داشته باشیم که هم چنان که در دروس قبلی نیز تذکر داده شده از درس دوم به بعد این مرحله بهتر است به زبان عربی انجام شود.

ناامید نباش!

کنار دریا، صیادی زندگی می‌کرد که شکم خود و خانواده‌اش را از راه صید ماهی سیر می‌کرد. چند روزی بود که هرچه به دریا می‌رفت، نمی‌توانست چیزی صید کند. دیگر چیزی در خانه نداشتند که بخورند. بچه‌ها گرسنه بودند و مرد خانه پریشان و مضطرب بود. روزهای پیش، هوا آفتابی بود. اما کم‌کم ابرها روی دریا را پوشاندند. مرد می‌دانست که در چنین روزهایی، توفان می‌وزد و کار صید ماهی را به کلی مختل می‌کند. اما چاره‌ای نداشت. زن و بچه‌اش گرسنه بودند. نگاهی به موج دریا و ابرهای سیاه و توفانی که هر لحظه تندتر می‌شد، انداخت و گفت: «باز هم می‌روم. فردا، هرطور که شده، باید ماهی صید کنم.» زتش با پریشانی التماس کرد: «نه، نرو! دریا توفانی است. خطرناک است.» بچه‌ها هم هرکدام دست به دامان پدر شدند که: «نرو پدر جان! خطرناک است»... «غصه نخور، بابا! خدا با ماست. ما صبر می‌کنیم. خدا روزی می‌دهد.»

مرد، لحظه‌ای سکوت کرد. ولی ناگهان به سخن درآمد و گفت: «... ما ... چیزی برای خوردن نداریم. گرسنه‌ایم. از گرسنگی می‌میریم.» دوباره حرفش را ادامه

داد : «عزیزانم! توکل می کنیم به خدا ... من باید بروم ... می روم...»
صبح زود، مرد به راه افتاد. می دانست که دست به خطر می زند. زن و بچه اش،
به بدرقه اش آمدند. دعا می کردند که سالم برگردد. مرد با زتش خداحافظی کرد و گفت :
«همسر عزیزم، می دانم که خطرناک است. ولی تو ترس. ناامید نباش. غصه نخور.
پریشان نباش ... خدا با ماست.»

زن، چشمان اشکبارش را رو به آسمان کرد و چیزی نگفت. مرد دید بچه ها
ساکت و غمزه ردّ پایش را نگاه می کنند. دو دخترش اشک در چشمانشان موج
می زد. به طرفشان رفت و گفت :

«مریم عزیزم، هدی جانم، ناراحت نباشید. به کارهای خانه برسید. به مادرتان
کمک کنید. ترسید. ضعف به دلتان راه ندهید.»

بعد، نگاهی به ایمان و امیر انداخت. آن ها هم سرگردان و متحیر بودند. نمی دانستند
چه بگویند. مرد صدا زد :

«ایمان خوبم، امیر عزیزم، وقتی من نیستم، شما باید جای من را بگیرید. شما
مردان این خانه هستید. به کارهای خودتان برسید و اصلاً ناراحت نباشید. من برمی گردم.
حتماً برمی گردم. منتظرم باشید.»

مرد، سوار بر قایق در دل موج ها گم شد. دل به دریا زد. تور ماهی گیری اش را
به دریا انداخت و منتظر ماند. اما هیچ چیز به دام نیفتاد. سرگردان مانده بود که چه
کند.

— خدایا چه کنم؟ انگار هیچ ماهی ای در دریا نیست. پس ماهی ها کجا هستند؟
ناگهان تور سنگین شد. احساس کرد چیزی در تور افتاده. خوشحال شد. تور
را کشید. اما سنگین بود؛ خیلی سنگین. با خودش گفت : «نکند نهنگ باشد! چقدر
سنگین است.» خدا را شکر کرد و دوباره کشید. اما زورش نمی رسید. خسته شده
بود. به خودش دلداری داد : «مرد! طناب را رها نکن! خسته نشو! احساس ضعف
نکن!» از خدا مدد گرفت و آن ماهی عظیم را در تور نگه داشت. طناب تور را به دکل
قایق بست و به طرف ساحل حرکت کرد.

در همین هنگام، آسمان تیره تر و تاریک تر شد. ابری سیاه، تمام آسمان را پوشاند.
توفان شدیدتر شد. موج های سنگین به بدنه ی قایق کوبیده می شدند. فریاد دریا بلند بود.
اما مرد همچنان به طرف ساحل می راند. ناگهان ضربه ی محکمی به قایق خورد. مرد

فکر کرد باز هم موج‌های سنگین به قایق می‌خورند. اما نه! دید یک ماهی غول‌پیکر به قایق حمله کرده. قایق تحمل ضربه‌های ماهی را نداشت. مرد رو به آسمان کرد و نالید: «خداها! چه کنم؟ کاری از دست من بر نمی‌آید. ای خدای بزرگ! هیچ کس را در این دریای مواج جز تو ندارم. یاری‌ام کن. به این بنده‌ی ضعیف رحم کن.» او به درگاه خدا می‌نالید و ماهی دست‌بردار نبود. ناگهان قایق واژگون شد و مرد از هوش رفت.

شب شد و مرد نیامد. خانواده‌اش سراغ اهالی روستا رفتند و ماجرا را گفتند. زن و مرد و کوچک و بزرگ در ساحل جمع شدند، چراغ آوردند، فریاد زدند؛ اما صدای‌شان در میان امواج دریا و وزش توفان گم می‌شد. از آمدن او مأیوس شدند و یکی یکی به خانه‌هایشان برگشتند.

فردا صبح، دریا آرام بود. مردم در کنار ساحل جمع شده بودند. بعضی از آن‌ها می‌خواستند به دریا بزنند تا شاید ماهی‌گیر را پیدا کنند. همین موقع، یک لگه‌ی سیاه روی دریا به نظرشان رسید. هر لحظه نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. جریان آرام موج، قایقی را آرام آرام به طرف ساحل می‌کشاند.

قایق به ساحل رسید. مرد، خسته و خون‌آلود بود. مردم دیدند که قایق سنگینی می‌کند. طناب تور ماهی‌گیری به دکل قایق بسته شده بود و یک ماهی بزرگ در آن گیر افتاده بود.

مرد مجروح را به خانه بردند. همسایه‌ها، گروه گروه به عیادتش رفتند و او خاطره‌ی آن لحظات هولناک را تعریف کرد:

«سفر دریایی عجیبی بود. درس‌های بسیاری از آن آموختم... در لحظات تنهایی و ترس، فقط خدای مهربان است که دادرس ضعیفان است.» بعد، رو کرد به مردان و گفت:

«برادرانم، هرگز در زندگی ناامید نشوید. هرگز در هنگام رودرروی با مشکلات احساس ضعف نکنید و هرگز از رحمت خدا ناامید نباشید.»

سپس خطاب به زنان مهمان گفت:

«خواهران، از یاد خدا غافل نباشید. یاد خدا، مونس لحظات ترس است. هرگز

ناامید نباشید. در این لحظات، شیطان ناامیدی و یأس را به جان آدمی می‌اندازد.»

تذکر:

آیا می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید سوژه‌ی این داستان را به داستانی گسترده و مشروح تبدیل کنند و دست به نگارش داستان بزنند؟ صحنه‌های هیجان‌انگیز و تخیلی این داستان، اجازه می‌دهد که داستانی مهیج پدید آید.
از دانش‌آموزان بخواهید جملات عربی کتاب را عیناً در داستان خود بیاورند.

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

کلمات به کار رفته در متن درس، به گونه‌ای است که دانش‌آموزان می‌توانند براساس داستان مشروحو که شنیده‌اند، دست به ترجمه‌ی اجمالی و دریافت مفهوم کلی جملات بزنند. تصاویر هر بخش نیز به آنان کمک می‌کند که مفهوم کلی جملات را به درستی دریابند.

بنابراین، هر جا کلمه‌ی جدید به کار رفته، معنی آن را سعی کنیم با واژه‌های ساده و یا تصویر و یا ... بگویم و سپس از دانش‌آموزان بخواهیم متن را بخوانند و تا حدی که می‌توانند، آن را ترجمه کنند.

۳- توجه به واژگان هدف درس

داستان «لا تیاَس» حاوی صیغه‌های نهی مکرری است که به گونه‌های مختلف در دل جملات تکرار شده‌اند. از دانش‌آموزان بپرسید:

«با توجه به داستانی که شنیده‌اید، در چه جملاتی یا چه جاهایی صیغه‌ی نهی به کار برده شده است؟» سپس سعی کنید با راهنمایی شما، این کلمات از متن درس استخراج شود:

— لا تَذْهَبْ — لا تَحْزَنْ — لا تَشْعُرْ — لا تَتْرُكْ

— لا تِیَاسِی — لا تَحْزَنِی — لا تَقْلِقِی

— لا تَقْلِقَا — لا تَشْعُرَا — لا تَتْرُكَا

— لا تِیَاسُوا — لا تَشْعُرُوا — لا تَقْنَطُوا

– لا تَعْفُلْنَ

برای جلب توجه شاگردان به شکل ظاهری این پنج گروه کلمه، باید ۳ نکته مورد توجه قرار گیرد:

– مشابهت تمام آن‌ها در حرف «لا»

– ریشه‌ی هریک از فعل‌ها

– تفاوت حرف یا نشانه‌ی آخر، در هر گروه از کلمات

اما این که چرا نشانه‌ی آخر فعل‌ها با هم متفاوت است، بسته به این است که هریک از آن‌ها خطاب به چه کسانی بیان شده است. از این رو، لازم است دانش‌آموزان با بررسی کلمات به کار رفته در متن داستان، علت تفاوت آن‌ها را پاسخ دهند. مثلاً بگویند:

لا تذهب: خطاب به مرد به کار رفته است.

لا تحزني: خطاب به زن به کار رفته است.

لا تقلقا: خطاب به مریم و هدی به کار رفته است.

لا تترکا: خطاب به ایمان و امید به کار رفته است.

لا تیأسوا: خطاب به مردان به کار رفته است.

لا تغفلن: خطاب به زنان به کار رفته است.

۴– قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

با توجه به مراحل پیش، قرائت و ترجمه‌ی متن، با مشارکت دانش‌آموزان انجام می‌شود. اما آنچه در این جا مهم است، یادگیری دانش‌آموزان درباره‌ی صحیح‌خوانی جملات است. چنین داستانی که دارای فراز و نشیب‌های کلامی گوناگون است، نباید سرد و یک‌دست خوانده شود چرا که این گونه خواندن متن، نه تنها دانش‌آموزان را دلزده می‌کند، بلکه عملاً چه بسا غلط‌خوانی را به آنان آموزش می‌دهد!

جملات و عبارات این درس، حاوی تغییرات کلامی بسیار مشهود می‌باشد. لذا توصیه می‌شود این تفاوت‌های حسّی و مفهومی حاکم بر روح جملات شناسایی شوند و با همان حسّ و حرکت کلامی مناسب قرائت شوند.

متن خوانی

داستان «لا تياس» سرشار از جملات گوناگون، با تفاوت‌های کلامی و گفتاری متفاوت است. ذیلاً نمونه‌هایی از این موارد معرفی می‌شود:

- جمله‌ی خبری: يسكنُ هذا الصيادُ قرب البحر ...
- جمله‌ی با لحن مصمّانه: غداً سأذهب ...
- جمله‌ی با لحن هشدار و تمناً: لا ... لا تذهب . البحر في هذه ...
- جمله‌ی با لحن مهربانانه و دلسوزانه: لا شيء عندنا، نحن جائعون. توكلنا ...
- جمله‌ی با لحن وداع و مهر: يا زوجتي، نعم! هذا خطرٌ و لكن ...
- جمله‌ی با لحن در ماندگی: ماذا أفعل؟! لا شيء في البحر ...
- جمله‌ی با لحن پرسشی و تعجّبی: ما هذه؟ هل هذه سمكةٌ ...
- جمله‌ی با لحن تلقین و مقاومت: أيها الرجل! لا تترك الحبل ...
- جمله‌ی با لحن خبر و هشدار: هجم حوت!
- جمله‌ی با لحن دعا و خواهش: إلهي ماذا أفعل؟ يا الله ... لا معبود سواك ...
- جمله‌ی با لحن خبر و نصیحت: يا إخوتي، لا تياسوا في الحياة!

در این جا یازده نوع، لحن متفاوت برای ادای جملات معرفی شده‌اند. دانش‌آموزان می‌توانند با راهنمایی معلم، سایر جملات متعلق به هریک از گروه‌های یازده‌گانه را شناسایی کنند و جملات را با همان لحن قرائت نمایند.

۵- تمرین ساختن صیغه‌های نهی

با توجه به این که آهنگ هریک از صیغه‌های نهی در گوش دانش‌آموزان تکرار شده است، معلم می‌تواند یکی از صیغه‌های نهی به کار رفته در درس را بیان کند و سپس با معرفی یکی از ریشه‌های

افعال، از دانش‌آموزان بخواهد صیغه‌ی نهی مورد نظر را بسازند. این فعالیت آموزشی با ارائه‌ی چند ریشه برای هریک از انواع صیغه‌های نهی، به صورت فردی یا گروهی، در قالب یک مسابقه یا فعالیت آموزشی قابل اجراست.

برای مثال:

- فعل «لا تذهب» روی تخته نوشته می‌شود و سپس ریشه‌ی «فَتَحَّ» بیان می‌شود.
- فعل «لا تقلقا» روی تخته نوشته می‌شود و سپس ریشه‌ی «جَلَسَ» بیان می‌شود.
- فعل «لا تياسوا» روی تخته نوشته می‌شود و سپس ریشه‌ی «مَنَعَ» بیان می‌شود.

۶- تمرین درک مفهوم درس

برای تنوع در سیر فعالیت‌های آموزشی، و نیز به منظور کسب اطمینان از تسلط دانش‌آموزان بر متن درس، پرسش‌هایی به شرح ذیل از دانش‌آموزان به عمل می‌آید. آنان می‌توانند پاسخ مورد نظر را از روی کتاب پیدا کنند و عین آن را به عنوان پاسخ ارائه دهند.

- این فعالیت به صورت مسابقه‌ی فردی یا گروهی قابل اجراست.
- دانش‌آموزان پاسخ‌دهنده، باید بدون مکث، پاسخ را ارائه دهند.

- مردم روستا پس از نیافتن مرد، چگونه بودند؟
- چه موقعی ابر سیاه در آسمان پیدا شد و توفان سخت وزید؟
- مرد، چه موقعی دست به دامان خدا شد؟
- چه کسی گفت: «صبر می‌کنیم»؟
- چرا زن التماس می‌کرد: نرو، دریا خطرناک است؟
- مرد به چه کسانی گفت از یاد خدا غافل نباشید؟

۷- آموزش کلید طلایی (فعل برای نهی)

اگر دانش‌آموزان قبلاً این متن را مطالعه کرده باشند، باید بتوانند به این سؤالات مقدماتی معلم برای تدریس، پاسخ گویند:

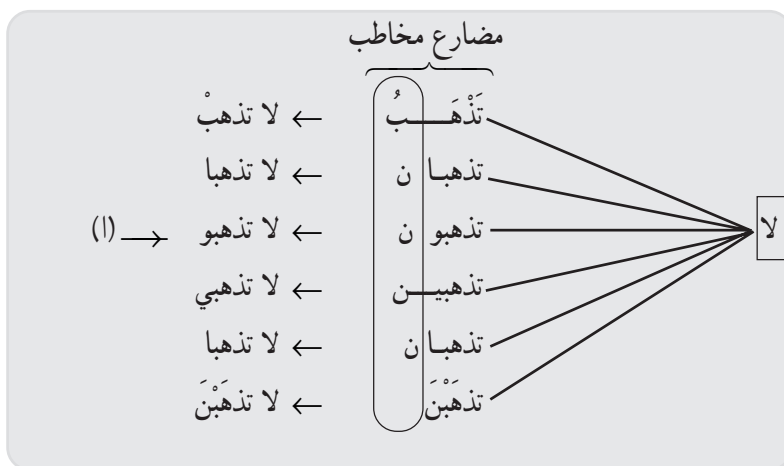
- علامت اصلی صیغه‌ی نهی چیست؟

- صیغه‌ی نهی را با چه نوع فعلی می‌سازیم؟
- کدام حرف است که معمولاً در هنگام تبدیل به نهی، از آخر فعل مضارع حذف می‌شود؟
- مفهوم «نهی» چیست؟
- کدام «ن» از آخر فعل مضارع - هنگام تبدیل به نهی - حذف نمی‌شود؟

بدیهی است که ممکن است دانش‌آموزان در این مرحله نتوانند به همه‌ی سؤالات به‌درستی پاسخ دهند. ولی این سؤالات زمینه‌ی ذهنی لازم را فراهم می‌آورد و دانش‌آموزان را در یادگیری مشارکتی کمک می‌کند.

سپس داستان نمایشی آموزش صیغه‌ی نهی برای بچه‌ها (آن چنان که در کتاب آمده است) انجام می‌گیرد!

پس از این مرحله و در پایان شکل زیر روی تخته‌ی کلاس رسم می‌شود و یا به شکل تابلو در مقابل دید دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و معلم توضیحات آموزشی خود را براساس آن ارائه می‌دهد:



تمارين

تمرین‌های این درس، با روش‌های گوناگون اهداف این درس را با تأکید بر آموزش فعل برای نهی - پوشش می‌دهند. اما نمی‌توان گفت این تعداد تمرین، به‌خوبی همه‌ی دانش‌آموزان را به هدف آموزشی نزدیک می‌کند. از این رو، گاهی لازم است در چارچوب شیوه‌ی هر تمرین، تعداد دیگری از این نوع تمرین‌ها به‌صورت کتبی یا شفاهی در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

التمرین الأول

هدف این تمرین، تسلط دانش‌آموزان بر مفاهیم و محتوای متن درس است. در عین حال، شیوه‌ی پرسش و کلمات استفهامی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. سؤالات دیگری از این نوع، قابل طرح و ارائه است. مثلاً:

- من یسکنُ قرب البحر؟
- من قال : غداً سأذهب؟
- هل قالت الزوجة «الرّزق من عندالله»؟
- أين قال الرجلُ «ماذا افعل؟! لا شيء في البحر»؟
- هل الشبكة قد ثَقُلَتْ؟
- من قال «لا تترك الحبل»؟
- من يئس من رجوع الصياد؟
- ماذا كان في شبكة الصياد؟
- كيف كان رحلة الصياد؟
- لمن اليأس؟
- متى عزم الصياد على الرجوع؟

التمرین الثانی



هدف این تمرین عبارت است از :

- تشخیص صیغه‌های نهی، در مقایسه با سایر انواع فعل.
 - تشخیص صیغه‌ی مناسب از فعل نهی، با توجه به مخاطب آن.
- معلم می‌تواند در چارچوب این تمرین که مبتنی بر شباهت‌ها یا مقایسه‌ی فعل امر و نهی است، سؤالات دیگری را از دانش‌آموزان بپرسد. مثلاً :
- یک فعل امر از طرف معلم بیان شود تا دانش‌آموز، همان صیغه را به صورت نهی بیان کند :
- مانند : اذکُری - اکتبُا - اذهبوا - اسمعن - و ...

التمرین الثالث



- هدف این تمرین، تقویت شاگردان در زمینه‌ی تبدیل فعل مضارع مخاطب به صیغه‌ی نهی است.
- این کلمات، در قالب جمله ارائه شده‌اند تا دانش‌آموز، شرایط مفهومی هر فعل را بهتر درک کند.
- همانند آنچه در تمرین قبل بیان شد، معلم می‌تواند با ارائه‌ی فعل‌های متعدد مخاطب مضارع از دانش‌آموزان بخواهد آن‌ها را در همان صیغه به نهی تبدیل کنند. مثلاً :

- انتم تذهبون إلى المدرسة في يوم الجمعة!

- أنت تجلسين على الكرسي.

- أتنّ تقرأن المجلّة.

- أنتما تسمعان قول هذا الطالب.

التمرین الرابع



- در این تمرین، پیچیدگی بیش‌تری نسبت به تمرین‌های قبلی به چشم می‌خورد. به همین ترتیب، از تأثیرات آموزشی بیش‌تری نیز برخوردار است. از جمله :
- درک مفهوم جمله و تشخیص فعل مناسب برای آن.
 - تبدیل نهی به فعل امر و بالعکس.
- معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد خودشان نمونه‌هایی از این نوع جملات را طراحی کنند.

در این جملات، درستی یا نادرستی فعل امر و نهی، بسته به مفهوم و هدف رفتاری آن است. به عبارت دیگر هدف از این تمرین، تشخیص مفهومی فعل امر و نهی است؛ دانش آموز در این تمرین باید دریابد که مفهوم فعل امر یا نهی چیست و هر کدام در کجا باید مورد استفاده قرار گیرد.

التمرین الخامس

در این تمرین، زمان انواع افعال (ماضی، مضارع، امر و نهی) مورد مقایسه قرار می‌گیرد و غرض از آن این است که فعل‌های امر و نهی وابسته به زمان حال هستند. با این وصف، طبقه‌بندی فعل‌های تمرین به این صورت خواهد بود:

– غیر قابل استفاده برای زمان حال و آینده: كَتَبَ – كَفَرُوا – عَمِلُوا.

– قابل استفاده در زمان حال: اُنْصِرِي – اِجْعَلْ – اِشْرَبْ – لَا تَزْرَعُوا – اجْلِسْ.

– قابل استفاده برای آینده: سَأَذْهَبُ – سَيَحْصُدُ – سَوْفَ نَأْكُلُ – سَوْفَ يَعْلَمُونَ.

التمرین السادس

هدف این تمرین، آشنایی دانش آموزان با صیغه‌های نهی به کار رفته در آیات قرآن است. بدین ترتیب دانش آموزان درمی‌یابند که آنچه در این درس فرا گرفته‌اند، دارای کاربرد فراوان در آیات قرآن می‌باشد.

نظر به این که از این قبیل صیغه‌های نهی در قرآن فراوان است، جا دارد که معلم، دانش آموزان را به سوی شناسایی سایر آیاتی که دارای یکی از انواع نهی هستند، راهنمایی کند. برخی از این آیات عبارتند از:

– لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ

بقره / ۲۲۴

– لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا

ال عمران / ۱۰۵

– لَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً

نساء / ۲۰

– لَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ

نساء / ۱۰۴

– لا تسألوا عن أشياء ... مائده/ ۱۰۱

– لا تطرد الذين يدعون ربهم انعام/ ۵۲

ترجمه‌ی تصویری

مجلات و روزنامه‌ها، سرشار از عکس‌ها، طرح‌ها، کاریکاتورها و تصاویر سیاسی، اجتماعی، ورزشی، فرهنگی، طنز و ... هستند که هریک از آن‌ها می‌تواند سوژه‌ی مناسبی برای این جملات باشد. برای مثال:

○ رجاء! لا تذهب، هناك خطرٌ :

– تصویر حیوانی که حیوان دیگری را با دندان می‌کشد و نمی‌گذارد برود.

– تصویر بچه‌ای که جلوی پدرش را گرفته.

– تصویر یک تانک و یک سرباز، درحالی که سرباز حرفی می‌زند.

○ لا تحزن ... إنَّ اللهَ معنا :

– تصویر یک مادر و دختر فقیر.

– تصویر یک رزمنده‌ی ایرانی در حال خداحافظی با دوستانش.

– تصویر یک فوتبالیست، درحالی که توپ را پیش رویش گذاشته.

○ أنا سوف أرجع ... :

– تصویر کسی که به دست شویی می‌رود!

– تصویر بچه‌ای که از خانه بیرون رفته.

– تصویر تویی که به تیر دروازه خورده و برمی‌گردد!

○ لا تشعر بالضعف :

– تصویر یک آدم لاغر و ضعیف، خطاب به یک آدم چاق و فربه!

– تصویر یک الاغ، درحالی که بار سنگینی حمل می‌کند!

– تصویر یک مربی فوتبال، خطاب به بازیکن بی‌حال.



غرض از این تحقیق، شناسایی کلماتی است که در متن درس ذکر شده‌اند و عین آن‌ها یا هم‌خانواده‌ی آن‌ها در آیات قرآن کریم نیز آمده است.

این فعالیت، یادآور دقت و تعمّدی است که در تدوین محتوای کتاب درسی برای نزدیک‌ساختن اطلاعات و آگاهی‌های دانش‌آموزان به قرآن کریم و فهم آیات به‌کار بسته شده است.

بخش قابل توجهی از کلمات و ساختارهای به‌کاررفته در متن درس، در جهت این سیاست قرار دارد. از این رو دانش‌آموزان می‌توانند علاوه بر انجام سؤالات مندرج در این بخش، با راهنمایی معلم خود و با استفاده از کتاب معجم، سایر کلمات را نیز در قرآن کریم شناسایی و استخراج کنند. این کلمات عبارتند از:

یسکنُ - قُرب - البَحر - الأیّام - الأخیرة - حَصَلَ - شیء - تذهب - لا تحزن -
 إن الله معنا - نصبرُ - الرّزق - عندالله - توکل - عملٌ - لا تیأس - تشعر - الضّعف -
 تترك - أرجعُ - ثقلتُ - حوت - الحمدلله - الرّجل - الرجوع - ظهَرَ - السّماء - الرّیاح -
 بشدة - معبود - أرحم - عبَد - رأی - الناس - عظيمة - حملوا - قال - كانت - عجیبة -
 كثيرة - لا تقنطوا - رحمة الله - لا تغفُلنَ - ذكِر - الشیطان - الوحشة.

این درس، نمونه‌ی بسیار خوبی برای معرفی شیوه‌ی فتورمان درزمینه‌ی عرضه‌ی یک داستان است. در این درس، نه تنها هدف آموزشی آن - یعنی آموزش مبتدا و خبر - به خوبی مشاهده می‌شود، بلکه در کنار آن اهداف دیگری از قبیل: آموزش اخلاقی، جذابیت داستانی و درج واژگان و ساختارهای ادبی قرآنی و روایی گنجانیده شده است. بسیاری از کلمات به کار رفته در این متن درسی، به‌طور مستقیم یا از طریق هم‌خانواده‌های آن‌ها دارای استعمال مکرر در آیات قرآن هستند. بدین ترتیب، این درس در عین حالی که مفهوم مبتدا و خبر را به خوبی القا می‌کند، زمینه‌ساز درک کلمات و مفاهیم آیات قرآنی نیز هست.

نمونه‌هایی از ساختارهای قرآنی و روایی در متن درس

أنا مضطَّرٌّ، تناول العشاء، مطلع الفجر، نهَض، لأداء الصلوة

پیش‌نیاز آموزشی

با توجه به این که در این درس سلسله‌ی بحث‌های مربوط به فعل به اتمام می‌رسد و مبحث تازه‌ای به‌عنوان «جمله‌ی اسمیه» یا «مبتدا و خبر» مطرح می‌شود، لازم است که معلم نسبت به یادآوری موضوعات ذیل یا کسب اطمینان نسبت به آگاهی قبلی دانش‌آموزان درباره‌ی این موضوعات اقدام کند:

- ۱- مفهوم فعل، برای درک موقعیت‌هایی که ممکن است فعل در جمله وجود نداشته باشد.
- ۲- تعریف اسم، مفهوم و نشانه‌های آن.
- ۳- آشنایی با نقش نهاد در جملات فارسی.
- ۴- آشنایی با مفهوم جمله.

این پیش‌نیازهای آموزشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که با برخورداری از زمینه‌های قبلی مبادرت به یادگیری مفهوم و ویژگی‌های جملات اسمیه نمایند. در غیر این صورت ممکن است در پاره‌ای موارد دچار نقص و مشکل شوند.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن درس

این متن درس، برگرفته از داستانی است که موضوع آن در ادبیات داستانی ایران و سایر کشورها تکرار شده و برای دانش‌آموزان، چندان بیگانه نیست. همین سابقه‌ی آشنایی، به آنان کمک می‌کند که حسن و نگاه مثبتی به این داستان داشته باشند و بخش‌هایی که به دلیل محدودیت کتاب درسی مورد حذف قرار گرفته و یا از طریق شیوه‌ی تصویرخوانی ارائه شده‌اند، در ذهن و خاطر آنان حضور داشته باشد. با تمام این‌ها، قبل از تدریس مستقیم درس، قصه‌ی مشروح و مبسوط آن را می‌توان به روش‌هایی که در گذشته هم در مورد آن صحبت کردیم، بیان نماییم.

آه ... دخترم!

مرد کفافی بود که شب و روز کار می‌کرد و کفش می‌دوخت. هرچه زنش می‌گفت: «تو مریضی. دکتر ممنوع کرده که زیاد کار کنی»، او زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت: «خودم می‌دانم که کار زیاد، برایم مضر است. ولی چه کنم! زندگی سخت است و من چاره‌ای ندارم. همین حالا صاحب خانه اجاره‌اش را می‌خواهد و من پولی ندارم.

یکی از روزها وقتی مرد این سخنان را به همسرش گفت، مریم همه‌ی حرف‌ها را شنید. مریم، احساس کرد باید برای کمک به پدرش کاری بکند. با خودش فکر کرد که به مدرسه نمی‌روم تا اندکی از خرج پدرم را کم کنم. اما دید نمی‌شود مدرسه را رها کند. مانده بود که چه کار کند. از خودش و از پدرش خجالت می‌کشید. دائم در فکر بود. ناگهان فکری به سرش زد...

شب بود. همه خوابیدند. اما مریم خواب به چشمش نمی‌آمد. وقتی مطمئن شد همه به خواب رفته‌اند، از جایش بلند شد. آرام آرام به طرف اتاق کار پدرش رفت. نمی‌توانست کفش بدوزد. اما چیزهایی از پدرش یاد گرفته بود. مشغول کار شد و کارهای ناتمام پدرش را تکمیل کرد. او آن قدر کار کرد تا صبح شد. در این موقع به رختخواب رفت و خودش را به خواب زد.

صبح، وقتی پدر به اتاق کارش آمد، دید چند جفت کفش دوخته شده، تعجب کرد. فکر کرد دیشب خودش دوخته، اما یادش آمد که این‌ها را نیمه‌کاره رها کرده بود. چند شب به همین ترتیب گذشت. هر روز صبح، مرد می‌دید که چند جفت کفش دوخته و آماده شده است. او و همسرش خیال می‌کردند که فرشته‌ها شب‌ها به خانه‌ی آن‌ها می‌آیند و کفش می‌دوزند. حالا دیگر خیالش راحت بود. روزها کم‌تر کار می‌کرد و حالش بهتر شده بود. توانسته بود اجاره‌ی خانه را بپردازد و مقداری غذا و وسایل برای خانه بخرد. روزها وقتی کار می‌کرد، فرشته‌ها را دعا می‌کرد و خودش را مردی خوشبخت می‌دانست.

یکی از شب‌ها، مریم آن قدر خسته و خواب‌آلود بود که نمی‌توانست درست کار کند. چشمانش یاری‌اش نمی‌کردند که باز هم بدوزد. خودش هم نفهمید چه موقعی خوابش برد.

هنوز هوا تاریک بود که پدر برای نماز صبح از جا برخاست. ناگهان چشمش به چراغ اتاق افتاد که روشن بود. با خودش گفت: «یعنی چه؟ چرا چراغ روشن است؟» بعد با خودش فکر کرد که لابد دزد آمده و همین حالا مشغول جمع کردن کفش‌هاست.

تمام حواسش به اتاق بود که مبادا دزد فرار کند. رفت سراغ چوب‌دستی‌اش. آن را برداشت و آرام به طرف اتاق رفت تا دزد را غافلگیر کند. آهسته در اتاق را باز کرد و نگاهی به داخل آن انداخت. دید کسی در گوشه‌ی اتاق نشسته، به نظرش آمد که دزد ترسیده و خودش را پنهان کرده، با دقت نگاه کرد. تازه فهمید که مریم است. باور نمی‌کرد. صدا زد: «مریم! آه ... دخترم ...!»

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

کلمات جدید این درس بسیار محدود است و تازگی آن‌ها نقش مهمی در فهم کلی عبارات ندارد. بنابراین، دانش‌آموزان می‌توانند براساس داستانی که شنیده‌اند و یا با راهنمایی معلم در زمینه‌ی معنای کلمات جدید و همچنین با استفاده از تصاویر، دست به ترجمه‌ی عبارات بزنند. مهم این است که در این مرحله، دانش‌آموزان بتوانند موقعیت مفهومی هر عبارت را در دل داستانی که مشروح آن را شنیده‌اند، حدس بزنند.

۳- توجه به جملات هدف درس

در این درس، جملات اسمیه هدف آموزشی متن به شمار می‌آیند. دانش‌آموزان طی دروس گذشته به خوبی با مفهوم فعل و نقش آن در جمله آشنا شده‌اند. از سوی دیگر با ساختار جملات در زبان فارسی آشنا هستند و می‌دانند که ممکن است بعضی از جملات با فعل شروع نشوند و یا حتی فاقد فعل باشند.

از این رو، می‌توان انتظار داشت که با راهنمایی معلم، جملات فاقد فعل و یا جملاتی که با اسم شروع نشده‌اند شناسایی و استخراج شود. آن‌ها باید بتوانند در پاسخ به این سؤال معلم که «کدام جملات این‌گونه هستند؟»، این نمونه‌ها را معرفی کنند:

– هذا الرَّجُلُ حَدَاءً.

– هو يَعْمَلُ فِي الْبَيْتِ.

– أَنْتَ تَعْمَلُ كَثِيرًا.

– الطَّبِيبُ مَنَعَ الْعَمَلَ.

– الْمَرَضُ خَطَرٌ.

– أَنَا أَعْلَمُ.

– الْحَيَاةُ صَعْبَةٌ.

– أَنَا مُضْطَرٌّ.

– الرَّجُلُ فِي حَيْرَةٍ.

– مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟

– هَذِهِ مَرْيَمُ.

– هُنَاكَ ضَوْءٌ.

پس از شناسایی و استخراج این جملات، از اطلاعات دانش‌آموزان درباره‌ی نقش «نهاد» در دستور زبان فارسی استفاده می‌شود تا بتوانند به این نتیجه برسند:

همچنان که در زبان فارسی، هر جمله از دو جزء اصلی تشکیل می‌شود که پایه‌ی اصلی آن نهاد است، این جملات نیز دارای دو جزء اصلی هستند.

براساس این توضیحات، یکایک جملات اسمیه‌ی استخراج‌شده، از این حیث مورد سؤال قرار می‌گیرند که :

نهاد در ترجمه‌ی فارسی هر جمله کدام است و چه خبری یا موضوعی درباره‌ی آن ارائه شده است؟

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن

قرائت متن این درس با این که نسبت به برخی از درس‌های پیش، از فراز و نشیب‌های کلامی و تنوع گفتاری کم‌تری برخوردار است، اما با این حال بخش‌هایی در آن نهفته است که ایجاب می‌کند از تنوع گفتاری لازم برخوردار باشد. دانش‌آموزان باید در حین شنیدن این متن - وقتی که معلم آن را قرائت می‌کند - و هنگامی که خودشان آن را می‌خوانند، حس و روح حاکم بر جریان داستان را دریابند.

در ترجمه‌ی متن نیز دانش‌آموزان براساس پیش‌آموخته‌های خود، ترجمه‌ی هر جمله را مشخص می‌نمایند.

متن خوانی

جملاتی که در متن داستان «آه ... بنیّتی...!» به کار رفته است، دارای حس‌ها و حالت‌های گوناگون است و قرائت صحیح آن‌ها ایجاب می‌کند که هر یک از آن‌ها با لحن خاص خود قرائت شود. اینک نمونه‌هایی از این جملات معرفی می‌شوند :

- جمله‌ی با لحن خبری ساده : هذا رجُلٌ حَداًءٌ ...
- جمله‌ی با لحن مهربانانه و خیرخواهانه : أنت تعمل كثيراً ...
- جمله‌ی با لحن اقرار و تأسف : أنا أعلم . ولكن الحياة صعبةٌ ...
- جمله‌ی با لحن پرسش و خودکاوی : ماذا أعمل؟ أترك الدرس والمدرسة ...
- جمله‌ی با لحن خبری شادمانه : ها ... وجدْتُ ... أفضل الطريق ...
- جمله‌ی با لحن پرسش و تعجب : عجب ... من صنع هذه الأحذية؟ ...
- جمله‌ی با لحن حسرت و عشق : آه ... بنیّتی!

۵- تمرین درک مفهوم درس

برای کسب اطمینان نسبت به تسلط دانش‌آموزان روی متن درس، سؤال‌هایی از آنان پرسیده می‌شود.

- دانش‌آموزان باید پاسخ لازم را با سرعت از روی متن درس پیدا کنند و عیناً از روی متن بخوانند.
- شغل مرد، چه بود؟
 - چرا زن از کار زیاد مرد گله‌مند بود؟
 - چرا مرد زیاد کار می‌کرد؟
 - وقتی مریم سخنان پدرش را شنید، چه احساسی داشت؟
 - اولین تصمیم مریم چه بود که از آن منصرف شد؟
 - مریم بعد از خوابیدن اعضای خانواده چه کرد؟
 - چرا مرد صبح زود از جا برخاست؟
 - وقتی مرد دید چراغ روشن است، چه فکری کرد؟
 - وقتی مرد چوب‌دستی‌اش را برداشت، چه کرد؟

این سؤال و جواب به صورت مسابقه‌ی فردی یا گروهی قابل اجراست.

۶- آموزش کلید طلایی (مبتدا و خبر)

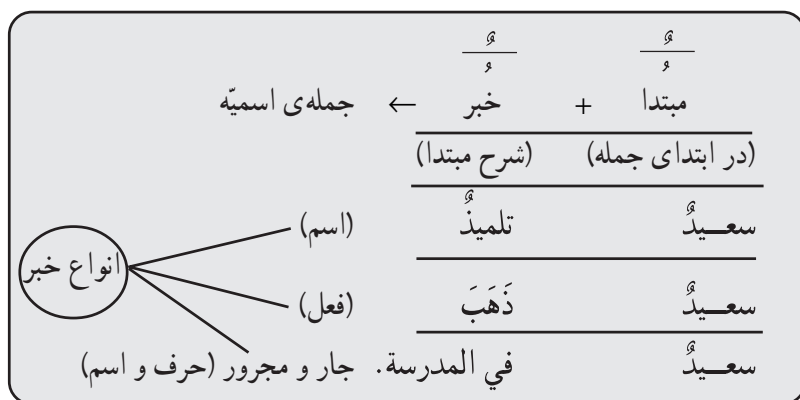
اگر قبلاً شرایطی فراهم آمده باشد تا دانش‌آموزان متن کلید طلایی را بخوانند، می‌توانند به این سؤالات پاسخ بدهند. در غیر این صورت، بهتر است فرصتی در اختیار ایشان قرار گیرد تا متن کلید طلایی را به دقت مطالعه کنند و به سؤالات معلم جواب گویند. نحوه‌ی اجرای کلید طلایی هم می‌تواند به شکل قصه و یا نمایش (آن‌چنان که در درس‌های اولیه گفتیم) اجرا شود.

- جمله‌های اسمیه با چه کلمه‌ای شروع می‌شوند؟
- اسمی که اول جمله قرار می‌گیرد، چه نام دارد؟
- آنچه معنی و مفهوم مبتدا را تکمیل می‌کند، چه نام دارد؟
- هر جمله‌ی اسمیه دارای دو جزء اصلی است. آن دو جزء کدام‌اند؟
- چرخ گردان - که یکی از کاردستی‌ها بود - چگونه کار می‌کرد؟
- روی چرخ گردان، چه کلمه‌هایی خبر کلمه‌ی الله به‌شمار می‌آمدند؟
- علامت مبتدا چیست؟
- آیا اگر کلمه‌ای «ال» داشته باشد، تنوین هم می‌گیرد؟

- چه نوع خبرهایی همیشه علامت رفع دارند؟
 – در کار دستی ساختمان، با هریک از اسم‌های مجید، محمد، امیر و ... چند جمله ساخته می‌شود؟
 – خبر جمله، چند نوع می‌تواند باشد؟

- بدیهی است که دانش‌آموزان نمی‌توانند در گام اول، تمام سؤالات را به درستی پاسخ بدهند. اما طرح این سؤالات زمینه‌ی ذهنی لازم برای یادگیری پاسخ‌های آن‌ها را فراهم می‌آورد.
 ○ این سؤالات حاوی مهم‌ترین اطلاعات مربوط به مبحث مبتدا و خبر هستند. دانش‌آموزی که تمام پاسخ‌ها را بداند، به خوبی این موضوع را فهمیده است. بنابراین جا دارد که پس از تدریس، یک بار دیگر این سؤالات از دانش‌آموزان پرسیده شود.

پس از بررسی‌های اولیه در پایان شکل و نوشته‌های ذیل، روی تخته‌ی کلاس درج می‌شوند و معلم در همین چارچوب مبادرت به آموزش مطالب مربوط به مبتدا و خبر می‌کند.



تذکر: دانش‌آموزان می‌توانند با راهنمایی معلم، نمونه‌هایی از دست ساخته‌هایی که در کلید طلایی مطرح شده است را بسازند. این کاردستی‌ها می‌توانند عیناً همان «چرخ‌گردان» و «بالابر ساختمان» باشند ولی دانش‌آموزان می‌توانند در صورت تمایل و علاقه، نمونه‌های دیگری را نیز طراحی و اجرا کنند.

ساختن این کاردستی‌ها نه تنها تنوعی در فعالیت‌های آموزشی کلاس پدید می‌آورد، بلکه در درجه‌ی اول منجر به یادگیری و تفهیم هرچه بهتر موضوع مبتدا و خبر در دانش‌آموزان سازنده‌ی کاردستی می‌شود و سپس با معرفی آن‌ها، سایر دانش‌آموزان به گونه‌ای عینی و تجربی مفهوم مبتدا و

خبر را فرا می‌گیرند.

در صورتی که تعداد و تنوع این کاردستی‌ها در خور توجه باشد، نمایشگاهی از این کاردستی‌ها برگزار خواهد شد.

○ طرز ساخت چرخ گردان: این چرخ گردان از دو لایه‌ی مقوایی تشکیل می‌شود. لایه‌ی زیرین، به صورت مربع و بزرگ‌تر از مقوای رویی است و این مقوا به صورت چندضلعی یا دایره طراحی می‌شود.

هر دو مقوا به وسیله‌ی سوزن ته‌گرد یا پونز که درست از نقطه‌ی مرکز هر دو مقوا عبور می‌کند روی هم قرار می‌گیرند. مقوای چندضلعی یا دایره به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌شود و در هر قسمت (مانند نمونه‌ی مندرج در کتاب درسی) یک خبر برای مبتدایی که روی مقوای مربع شکل نوشته شده است، درج می‌گردد. با حرکت دادن مقوای گرد یا چندضلعی - به وسیله‌ی انگشت -، هر بار یکی از خبرها در مقابل مبتدای یادشده قرار می‌گیرد و جمله‌ای کامل را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، برای یک مبتدا، چندین خبر متفاوت و چندین جمله ساخته می‌شود.

○ طرز ساخت بالابر ساختمان: یک خانه‌ی مقوایی با ابعاد تقریبی $10 \times 15 \times 12$ سانتی‌متر ساخته می‌شود.

در یکی از دیوارهای ساختمان، چهار پنجره در دو ردیف به ابعاد $1/5 \times 1$ سانتی‌متر و با فاصله‌ی ۱ سانتی‌متر تعبیه می‌شود. و روی پنجره‌های سمت چپ چند «خبر» از این قبیل نوشته می‌شود:

ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ

قَوِيَ

دَخَلَ

طَالِبٌ نَشِيطٌ

سپس شکافی به اندازه‌ی ۱ سانتی‌متر، درست به موازات پنجره‌های سمت راست در سطح کف و سقف ساختمان مقوایی ایجاد می‌شود.

یک نوار مقوایی با عرض ۱ سانتی‌متر و طول ۲۰ سانتی‌متر تهیه می‌شود و در فاصله‌ی ۱ سانتی‌متری، اسم‌های مختلف به‌عنوان مبتدا در روی آن نوشته می‌شود.

حالا اگر نوار مقوایی از شکاف یادشده عبور کند، هریک از مبتداها در مقابل یکی از خبرها قرار می‌گیرند. با بالا و پایین کردن نوار، جای مبتداها عوض می‌شود و جملات جدیدی به وجود می‌آید.

تمارين

التمرین الأول



این تمرین با استفاده از شیوه‌ی پرسش و پاسخ، تسلط به متن درس و محتوای آن را هدف قرار داده است. معلم می‌تواند سؤالات دیگری از این قبیل را به منظور کسب اطمینان بیش‌تر نسبت به یادگیری دانش‌آموزان از متن درس، مطرح و ارائه نماید:

- ماذا كان شغل الرَّجُل؟
- هل يعمل الحذاء كثيراً؟
- مَنْ مَنَعَ الحذاء عن العمل؟
- لماذا يعمل الحذاء كثيراً؟
- مَنْ خَجَلَتْ؟
- هل تركت مريم الدرس والمدرسة؟
- متى ذهب الجميع للنوم؟
- إلى متى عملت مريم؟
- متى نهض الوالد؟
- لماذا نهض الوالد؟
- ماذا اخذ الوالد بيده؟

التمرین الثاني



هدف این تمرین، تقویت دانش‌آموزان در زمینه‌ی جمله‌نویسی است. دانش‌آموزان با نمونه‌های متعددی که از جمله‌های اسمیه ملاحظه کرده‌اند، قاعدتاً باید بتوانند چنین جملاتی را برای تصاویر

ششگانه بنویسند:

۱- حميدٌ خرج من البيت. حميدٌ دخل في البيت.

۲- الشجرة جميلة. الشجرة في الحديقة.

۳- الطائر يطير. الطائر في السماء.

۴- عليٌّ جلس على الكرسي.

۵- الكتاب على المحفظة.

۶- الأسد يأكل شيئاً. الأسد قويٌّ.

بدون شک توانایی دانش‌آموزان بیش از این است. لذا معلم می‌تواند با ایجاد صحنه‌های گوناگون، از آنان بخواهد جملات اسمیه بسازند ولی آنچه مهم است، این است که دانش‌آموزان در هر جمله‌ای که بیان می‌کنند، باید بتوانند مبتدا و خبر آن را تشخیص دهند. نمونه‌هایی از صحنه‌سازی برای جمله‌سازی دانش‌آموزان از این قرار است:

- قرار دادن قلم روی کتاب.

- نوشتن مطلبی در دفتر.

- نگاه کردن به آسمان.

- خارج شدن از کلاس.

- نشستن روی صندلی و سپس برخاستن از روی آن.

- برداشتن قلم از داخل کیف و قرار دادن آن بر روی میز.

... -

التمرین الثالث

هدف این تمرین، تأکید روی تشخیص مبتدا و خبر است. هریک از این جملات می‌توانند به ساده‌ترین شکل تکمیل شوند. مثلاً: «المعلمُ عالمٌ». اما با توجه به انواع خبر، بهتر است که دانش‌آموزان با راهنمایی معلم، از خبرهای دارای فعل یا حرف و اسم (جار و مجرور) نیز استفاده کنند. مثلاً: «المعلمُ خرج من المدرسة».

بدیهی است که نمونه‌های ارائه‌شده در این تمرین از قابلیت گسترش برخوردارند. لذا معلم می‌تواند براساس کلماتی که تاکنون فرا گرفته شده، مبتداهای متعدد دیگری را پیشنهاد کند.

التمرین الرابع



این تمرین به منظور تشخیص موقعیت هر کلمه در ساختار ادبی جملات اسمیه طراحی شده است. اطلاعات قبلی دانش‌آموزان حاکی از این است که :

- می‌دانند جمله‌ی اسمیه با اسم شروع می‌شود.
 - می‌دانند بعضی از خبرها مرکب از حرف و اسم هستند.
 - می‌دانند بعضی از خبرها مرکب از فعل هستند.
 - فعل و اسم و حرف را می‌شناسند.
- از این رو، می‌توان گفت : دانش‌آموزانی که از عهده‌ی این تمرین برمی‌آیند، عملاً از آگاهی‌های چهارگانه‌ی یادشده برخوردارند. به همین ترتیب، در صورتی که در جاگذاری درست کلمات هر جمله دچار اشتباه شوند، معلوم است که یک یا چند مورد از موارد چهارگانه را هنوز به‌درستی فرا نگرفته‌اند. معلم می‌تواند برای اطمینان بیش‌تر نسبت به آن‌چه ذکر شد، نمونه‌های دیگری از این نوع جملات اسمیه‌ی درهم‌ریخته را طراحی و ارائه کند. مثلاً :

- أَرْجِعْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ سَوْفَ.
- حَاجَاتُ السَّفَرِ فَاطِمَةُ جَمَعَتْ.
- جَلَسَا عَلَيَّ وَ أَمِيرٌ تَحْتَ ظِلِّ الشَّجَرَةِ.
- فِي السَّمَاءِ الطَّائِرُ يَطِيرُ الْأَبْيَضَ.
- بِ الْعِبَادِ رَحِيمَ اللَّهِ.

التمرین الخامس



این تمرین از یک سو تشخیص مبتدا و خبر را هدف قرار داده و از سوی دیگر، موضوع اعراب مبتدا و خبر را مورد تأکید قرار داده است. در عین حال، نمونه‌هایی از ساختارهای ادبی رایج در آیات قرآن و روایات را ارائه نموده است. بنابراین، با توجه به کثرت جملات اسمیه‌ای که در آیات قرآن وجود دارد، گسترش دامنه‌ی این تمرین روی آیات قرآن، عملاً دانش‌آموزان را نه تنها در زمینه‌ی موضوع درس تقویت می‌کند، بلکه از اطلاعات کنونی آنان برای قرائت بهتر و فهم بیش‌تر آیات قرآن استفاده می‌کند. نمونه‌هایی از آیات مورد نظر بدین قرار است :

- هو خیر الرازقین . سیاً / ۳۹
- شجرةٌ تخرجُ في أصل الجحيم صافات / ۶۴
- تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم جائیه / ۲

التمرین السادس

این تمرین، کاربست اطلاعات قبلی دانش آموزان در فهم آیات قرآن را منظور نظر قرار داده است. حقیقت این است که کلمات و قواعد عربی فراگرفته شده، تأثیر مهمی در فهم و ارتباط دانش آموزان با آیات قرآن دارد. در این نوع آیات، نه تنها کلمات آن — عموماً — برای دانش آموزان آشناست، بلکه اعراب کلمات را می شناسند، جایگاه لازم برای هر کلمه را تشخیص می دهند و نهایتاً قادر به ترجمه ی آن ها هستند. دانش آموزان می توانند با راهنمایی معلم، در قالب پروژه های تحقیقی روی آیات قرآن، چنین ساختارهایی را تهیه و ترجمه کنند. این فعالیت، به دانش آموزان نشان می دهد که آموخته های آنان در کتاب های درس عربی، مستقیماً در فهم آیات قرآن مورد استفاده شان قرار می گیرد.

الدراسات القرآنية

بخش اول «الدراسات القرآنية» حاکی از ارتباط مستقیم کلمات به کار رفته در متن درس، با آیات قرآن است. از این رو، کلمه های «المضطرّ»، «مَطْلَعٌ» و «الشّهور» مورد استفاده قرار گرفته اند. علاوه بر این ها، کلمات دیگری نیز در متن درس وجود دارد که دانش آموزان می توانند عین آن ها یا هم خانواده ی آن ها را در آیات قرآن بیابند. مثلاً:

الرَّجُلُ — يَعْمَلُ — كَثِيراً — الزَّوْجَةَ — الْعَمَلَ — أَعْلَمُ — الْحَيَاةَ — صَغْبَةً — صَاحِبُ — الْبَيْتِ — يَطْلُبُ — سَمِعَتْ — كَلِمَةً — وَجَدْتُ — أَفْضَلَ — الطَّرِيقَ — الْيَوْمَ — الْعِشَاءَ — النَّوْمَ — نَهَضْتُ — صَبَاحَ — عَجِيبٌ — صَنَعَ — حَيْرَةً — لَيْلَةً — شَعَرْتُ — الْبَاكِرَ — الصَّلَاةَ — ضَوْءَ — السَّارِقِ — سُرْعَةً — فَتَحَ — هَدُوءَ — نَظَرَ — دِقَّةً .

بخش دوم «الدراسات القرآنية» معرف برخی از آیاتی است که تشخیص مبتدا و خبر در آن ها، برای دانش آموزان سهل است. همچنان که پیش از این ذکر شد، دانش آموزان می توانند نمونه های

دیگری از این نوع آیات را شناسایی و استخراج کنند. این فعالیت می‌تواند به صورت فردی یا گروهی، در قالب مسابقه یا پژوهش قرآنی یا فعالیت جانبی قلمداد شود.

ترجمه‌ی تصویری

جملات انتخاب‌شده از متن درس برای انتخاب و تعیین تصاویر مناسب برای آن‌ها، از قابلیت طنز، فکاهی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی و ... برخوردارند. مجلات و مطبوعات، حاوی انواع تصاویری هستند که بنا به ذوق و سلیقه‌ی دانش‌آموزان می‌توانند معرف مضمون هریک از این جملات باشند. برای مثال :

○ نَظَرَ بَدَقَّةً :

- تصویر یک سرباز، در حال نگاه با دوربین.
- تصویر یکی از سیاستمداران مشهور جهان، درحالی که خیره نگاه می‌کند.
- تصویر یک حیوان درنده، درحالی که به یک حیوان ضعیف خیره شده است.

○ هُنَاكَ ضَوْءٌ :

- تصویر کلبه‌ای در دورنمای یک جنگل، که از پنجره‌اش نور بیرون زده است.
- تصویر یک نابینا، درحالی که خورشید را به دوستش نشان می‌دهد!
- تصویر یک دزد، درحالی که چشمش به چراغ قوه‌ی پلیس افتاده است.

○ أنت تعمل كثيراً :

- تصویر مادری، خطاب به فرزند لاغر و ضعیف خود!
- تصویر یک معتاد، خطاب به دوست در حال چرت خود!
- تصویر معلم، درحالی که به دانش‌آموز درس نخوان خود طعنه می‌زند!

○ من في العُرفَةِ؟

- تصویر یک دزد، درحالی که صدایی از پشت در می‌شنود.
- تصویر مادر، پشت در اتاق فرزندش، درحالی که او با دوستش مشغول تماشای تلویزیون است.
- تصویر پلیس، پشت در بسته.